

کیوان ساکت و پدرام امینی ایبانه از کنسرت مشترک و پیوند موسیقی شرق و غرب گفتند

«پاکوپنیا» عاشق نی ایران است



آرش نمبریی

بهانه این گفت‌وگو کنسرت مشترکی است که کیوان ساکت و پدرام امینی ایبانه امروز هجدهم اسفند در سالن خبریه محک برگزار می‌کنند. پدرام امینی ایبانه از گیتاریست‌های ایرانی است که به خصوص در زمینه گیتار فلامنکو کارهای ارزنده‌ای انجام داده. آلبوم «آتش» او سال‌ها قبل منتشر شد و همچنین کتابی در زمینه آموزش گیتار فلامنکو دارد. همین روزها آلبوم آتش ۲ در آستانه انتشار است. گفت‌وگو با امینی و ساکت در حالی انجام شد که چالش عمده این مصاحبه آن است که کیوان ساکت قصد دارد آهنگ‌های سبک فلامنکو را با تار اجرا کند. این اتفاق در همه جهان می‌افتد و نوازندگان سبک‌ها و سازهای مختلف در کنار هم کار تلفیقی انجام می‌دهند و ساکت هم بارها این کارها را انجام داده با این حال هنوز شماری از سنت‌گرایان با آن کنار نیامده‌اند. بنابراین ما هم با این دو نوازنده نامی بیشتر در این مورد و البته قدری هم درباره کنسرت پیش‌رو به بحث نشستیم.

۲ برای یک نوازنده نواز اول تار در ژانر موسیقی اصیل ایرانی، نوازندگی هم‌زمان با یک نوازنده گیتار اقدامی شجاعانه محسوب می‌شود. البته شما قبلاً هم این شجاعت را به خرج داده‌اید و حالا هم در آستانه کنسرتی دیگر با همین ترکیب هستید. آیا عمداً این رویکرد را در پیش گرفتید؟

امینی ایبانه: قبل از شروع صحبت‌های کیوان ساکت، باید بگویم ما حدود هفت‌سال پیش با یکدیگر اجرا داشتیم...

۲ بله، یادم هست، کنسرت فرهنگسرای بهمن...

ساکت: من به این گفته معتقد نیستم و موضوع عمدداشتن و شجاعت به خرج‌دادن را درک نمی‌کنم. درست‌است آهنگ‌هایی که من با برخی از دوستان روی صحنه می‌نوازم، دشوار و از هر جهت، بحث‌برانگیزند اما این موضوع ربطی به عمدداشتن ندارد. من نوازنده و آهنگساز، کارم نوازندگی و آهنگسازی است و همیشه تلاش کرده‌ام کارم تنوع داشته باشد. برای این تنوع، یکبار با رامین قلی‌اف همراه می‌شوم، گاهی با ارکستر سمفونیک آلمان، یکبار با ارکستر سنتی. گاهی هم با پیانو و گیتار می‌نوازم. اگر امکاناتی وجود داشته باشد و ببینم می‌توانم با سازهای دیگر تلفیق‌های زیبا انجام دهم، حتماً این کار را انجام می‌دهم. کار من موسیقی است و هر کنسرت برایم تجربه‌ای تازه محسوب می‌شود.

۲ من به این دلیل کلمه «عمداً» را به کار بردم که می‌خواهم بگویم شما به صورت مشخص و برای بیان نکاتی که بنابر تجربیات و سلیقهٔ‌تان هم است، این کار را انجام می‌دهید...

ساکت: کلمه «عمداً» در اینجا محلی از اعراب ندارد و به‌نظرم به کاربردن این کلمه خیلی موجه نیست. من یک موسیقیدان و نوازنده هستم و تجربه صفاها، فضاها و ملودی‌های جدید همیشه برایم جالب و جذاب بوده و خواهد بود. زمانی در ژانر موسیقی باروک – کلاسیک و رمانتیک (موسیقیدانانی نظیر باخ، موزارت و شوبن) می‌نواختم، زمانی با سازم آهنگ‌های جیبسی را اجرا و زمانی کارهای قمر و وزیری را بازسازی کردم. یک زمان هم آثار دیگری را در اختیار علاقه‌مندان گذاشتم و خواهم گذاشت. الان هم دوست دارم با راهنمایی و کمک دوست عزیزم و هنرمند گرامی پدرام امینی در زمینه موسیقی فلامنکو کارهایی را تجربه کنم. موسیقی فلامنکو ریشه‌های ایرانی و شرقی زیادی دارد که در بسیاری موارد متناثر از هنرمندان ایرانی مانند زریاب (ابوالحسن بن نافع و نوازنده بریط و شادگرد اسحاق موصلی در دربار هارون الرشید) است. **۲** اگر بخواهیم کاراکتر موسیقی شما را به دو بخش آهنگسازی و نوازندگی تقسیم کنیم، این بخش‌ها مربوط به کاراکتر نوازندگی شماست که می‌خواهید تجربه‌های تازه را در تکنیک‌های نوازندگی به دست بیاورید یا اینکه وقتی از فضاهای تازه‌ای در موسیقی فلامنکو بهره می‌برید در آهنگسازی‌تان هم استفاده می‌کنید؟

ساکت: این فضاها قرابت زیادی با موسیقی ایرانی دارد و خیلی می‌توان از آن برای خلق موسیقی تأثیر گذار سود برد. من این تجربه‌ها را دوست داشتم و در پارهای موارد انجام دادم. بر خورد جامعه با این تجربیات نشان می‌دهد چنین کارهایی می‌تواند ادامه داشته باشد. تلوم‌نداشتن این تجربیات، به این معنی نیست که نمی‌تواند یکبار و دوبار انجام شود. هر تجربه‌ای هم را ازما قرار نیست به موفقتی منجر شود، حتی اگر در آن لحظه اول زیبا، شنیدنی و پسندیدنی به‌نظر برسد ممکن است در درازمدت ضرورت آن وجود نداشته باشد. همه اینها را گذشت زمان، نیازهای جامعه و اقبال عمومی مشخص می‌کند.

۲ آشنایی شما با آقای امینی چگونه صورت گرفت و آیا این آشنایی از طریق آلبوم «آتش» بود که سال‌ها پیش منتشر شد؟

ساکت:من اسم آلبوم‌ها را خیلی به خاطر ندارم ولی به هر حال دوستی دیرینه با آقای امینی از زمانی که به آموزشگاه فعلی‌مان آمدم، شروع شد. من از او به‌عنوان مدرس گیتار فلامنکو دعوت کردم و او هم با خان‌قرو هرچه گشاده‌تر دعوت را پذیرفت. ایشان مدت‌ها اینجا مدرس گیتار فلامنکو هم به ما بودند و دلیل دوستی ما، مسافت، این همکاری و ارتباط محکم‌تر شد. اما ارتباط او دوستی ما همچنان را بر جا نماند.

۲ آقای امینی برای اینکه با آقای ساکت نوازندگی هم‌زمان داشته باشید، آیا باید بر موسیقی سنتی اشراف می‌داشتید یا اینکه شناخت شما از موسیقی فلامنکو نکاتیت می‌کرد؟

امینی ایبانه: بگذارید قبل از هر چیزی به این نکته اشاره کنم که چند اثر مشترک ما با آقای ساکت در سایت‌ها و فضاهای مجازی پخش شد و بازتاب خیلی خوبی داشت. ما آنجا دستگاه رومبا، تانگو و مالاکنیا و... را اجرا کردیم و خیلی‌ها از طیف‌های مختلف از جمله حرفه‌ای‌ها و مردم عادی از این اجراها خوششان آمد و آنها را دوست داشتند. در مورد پرسش شما باید بگویم، موقعی که جنوب اسپانیا توسط طارق بن زیاد و ایرانی‌ها اشغال شد، این چیزی که نظامی باعث جبرگی فرهنگی هم شد و برای همین در موسیقی این منطقه، ریشه‌های موسیقی ایرانی زیادی به چشم می‌خورد تا آنجا که در واژه گیتار واژه فارسی «تار» آمده است یعنی ساختار گیتار و سازهای مشابه از ساز ایرانی بریط ایا هم الهام گرفته شده‌است. طبیعتاً این قرابت فرهنگی و ریشه مشترک موسیقایی باعث می‌شود که حس‌های مشترکی هم به وجود بیاید اما قطعاً این قرابت مثلاً در موسیقی «جز» نیست چون ریشه آن به سیاهپوستان آفریقا برمی‌گردد و هیچ ربطی به ما نداشته‌است. به‌همین دلیل بر اساس آمارها، موسیقی جز در ایران مانند موسیقی فلامنکو مخاطب ندارد و خیلی‌ها به‌راحتی، با شوق و علاقه با موسیقی فلامنکو ارتباط برقرار می‌کنند. ممکن است یک نفر بگوید من با موسیقی ایرانی آشنایی ندارم درحالی‌که به‌نظرم چنین چیزی بسیار کمپل است چون من است اسم ردیف، آواز و گوشه را ندانم اما از همان لالایی که از کودکی در موسیقی مادری‌اش عجب



شده است. من البته با موسیقی ایرانی آشنایی دارم و حتی در نوجوانی پیش آقای شاپور رحیمی ردیف ایرانی را هم کار کرده‌ام.

۲ در این همکاری، شما به موسیقی ایرانی و آقای ساکت با ساز تار به موسیقی فلامنکو نزدیک می‌شوید یا اینکه هر کدام کار خودتان را می‌کنید؟

امینی ایبانه: ما هر کدام سعی می‌کنیم کار خودمان را با توجه به احساس کلی کار در بهترین شکل انجام دهیم، من اگر بخواهم با گیتارم دستگاه ماهر را اجرا کنم که اجرا می‌کنم، بهتر است خیلی زیاد ماهر گوش کنم و کوک گیتارم را نیز تغییر دهم و سعی کنم با ماهر به شش‌نواهم حس موسیقی ایرانی را بدهم. رادیو سال‌هاست که آهنگ ماهر من را پخش و اعلام می‌کند سه‌تار است. آقای ساکت هم که نتوانایی تکنیکی‌شان بسیار بالاست و هر لپچه‌ای را که بخواهد، می‌نوازد و فلامنکویی که اجرا می‌کند، واقعا لپچه فلامنکو دارد.

۲ پس در واقع به هم نزدیک می‌شوید...

امینی ایبانه: بله به هم نزدیک می‌شویم.

۲ آقای ساکت نظر شما هم همین است؟

ساکت: در کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، قرار است موسیقی فلامنکو را اجرا کنیم، بنا براین صدای تار به موسیقی فلامنکو نزدیک می‌شود.

۲ آیا این قرابت‌های فرهنگی کمک می‌کند صدایی که شنیده می‌شود، خاص و جذاب باشد؟

ساکت: در نامه‌ها، ایمیل‌ها و تلفن‌ها و ملاقات‌های حضوری بسیاری از جوانان گفته‌اند وقتی موسیقی کلاسیک با هر موسیقی تازه‌ای را با تار می‌شنوند، برایشان بیشتر قابل درک است برای اینکه لپچه و لحن صدای تار را می‌شناسند. من هم وقتی با تار، باخ یا موزارت می‌نوازم ادعا ندارم که این بخ را بیان کرده‌ام چون چنین چیزی محال است ولی آن لپچه و تازگی آن صدا برای مردم خیلی تازه و جذاب است. در موسیقی فلامنکو هم چنین احساسی هست. شاید تار برای مردم ایران آشناتر و جذاب‌تر به نظر می‌رسد. متأسفانه در ایران بیشتر فکر می‌کنند با ابزار موسیقی ایرانی، به جز موسیقی ایرانی نباید هیچ نغمه و ملودی دیگری شنیده شود که این طرز تفکر درستی نیست برای اینکه شما اگر به کشورهای همسایه مثلاً آذربایجان، کشورهای عربی یا حتی چین و ژاپن هم که مثل ما موسیقی کهن و اصیلی دارند نگاه کنید، می‌بینید که اصلاً در مورد این موضوع چنین طرز تفکری ندارند. من اخیراً در جشنواره‌ای بودم که در آن ۱۲ کشور حضور داشتند و نوازنده چینی با ساز آرخو (سازی شبیه به کمانچه که آ رشه آن بین دو سیم آن است و ساختمانی بسیار جالب و صدایی بسیار زیبا دارد) همان آهنگ باخ (نواستون ۱۲) را که من نواخته بودم، اجرا کرد. نوازندگان کمانچه و تار آذربایجان هم آثار کلاسیک غیرآذری را با ساز آذری در کنسرت‌هایشان اجرا کرده‌اند. نوازنده‌های عرب هم این کار را می‌کنند. بنابراین مطرح کردن این بحث فقط به این معنی است که منتقدان ما اهالی موسیقی و کسانی که با این مسائل سروکار دارند توجهی به جامعه جهانی و هنر موسیقی ندارند. هیچ کجای دنیا مثل ما نیستند که فکر کنند باید خودمان را محدود کنیم، کمالینکه برعکس آن هم صادق است؛ یعنی استادانی نظیر محجوبی، معروفی و مشیر هم‌این شهرها را با ابزار غربی پیانو موسیقی ایرانی می‌زدند و استادانی مانند استاد صبا، خالدی، باقعی و... با ویولن همین کار را می‌کردند. شبیر خدایی و وزیرتی‌تبار با کلارینت و اکیرفلوتی با فلوت مخالف سه‌گاه و سه‌گاه ایرانی را به زیبایی نواخته‌اند و ابوعطی اکیرفلوتی هم که معروف هستند. نواهایی که استاد صبا، خالدی، حسین باقعی، پرویزخان باقعی، اسدالله ملک، حبیب‌الله بدیعی و استاد تجویدی، خرم

اینکه ما اصل موسیقی را رها کنیم و به این برسیم که «تو چرا با کمانچه و تار فلان موسیقی را زده‌ای» در دنیای امروز محلی از اعراب ندارد کما اینکه می‌بینید ارکسترهای بزرگ با سیتار و انواع سازهای شرقی، کنسرت‌های شرقی، کنسرت‌های بزرگی برگزار می‌کنند

و... با ویولن اجرا کرده‌اند سال‌هاست در حافظه مردم ما مانده و خواهد ماند. اینکه ما اصل موسیقی را رها کنیم و به این برسیم که «تو چرا با کمانچه و تار فلان موسیقی را زده‌ای» در دنیای امروز محلی از اعراب ندارد کما اینکه می‌بینید ارکسترهای بزرگ با سیتار و انواع سازهای شرقی، کنسرت‌های بزرگی برگزار می‌کنند. فیلمی دارم که ارکستر فیلارمونیک لندن، هندی با برعکس با ساز هندی، موسیقی غربی اجرا کرده‌اند. این بحث‌ها برای جامعه موسیقی مضر است، هنرمند را از هنر دور می‌کند و جز مخدوش کردن ساحت هنر حاصلی ندارد. اگر ما بگوییم که فلان اثر هنری موجه هست یا نیست یک چیز است، اما باید بدانیم که نمی‌توانیم جلو رشد آن را بگیریم یا برعکس چیزی را به دور در جامعه رواج دهیم.

۲ البته بیان این حرف‌ها از طرف من به معنی تأیید این روال نیست. پرسشم برای این بود که این بحث مطرح شود...

ساکت: روی سخنم با شخص شما نیست. روی سخنم با این تفکر غیرهنری موجود در جامعه است که به نظر من، تفکری حاصل ذهن بیمار است. گذشت زمان آنچه را بیس‌غیربال کند، غریال می‌کند و آنچه را که باید ماندگار کند، ماندگار می‌کند. هنرمندان زیادی آمدند و در مدتی محدود سروسا کردند اما زود هم رفتند و انگار کف روی آب بودند. اینکه در دنیای امروز ما خودمان را محدود به یک شکل اجرا کنیم یک تفکر طردشده است، همان‌طور که به گواه تصویرهای موجود از قدام، درویش‌خان (استاد تار متوفی به سال ۱۳۰۲ در اثر اولین ساخته رانندگی در ایران) در ارکستر ایچمن اخوت که خودش رهبرش نیز بوده است، پیانو، کنترباس و سازهای غربی را در کنار تار و تنبک و... قرار داده بود. آنها درویش‌خان را سنتی می‌دانند و او در آثارش مارش، پولکا و... دارد که با الهام از فرم و ملودی‌های موسیقی غربی ساخته شده بود.

۲ اما این موضوع مهم است که نسبت به این موضوع، موضع نداشته است...

ساکت: بله موضع نداشته‌است. وقتی شاره‌دار قاجار دستور قطع نگه‌شان درویش‌خان را می‌دهد (به این علت که استاد به‌جز او برای کسان دیگر هم نواخته بود) درویش‌خان به سفارت انگلیس پناه می‌برد و در آنجا آهنگ‌ها و والس‌های غربی را اجرا می‌کند. زن سفیر که شخصی موسیقی‌دوست و هنرپرو بود از این هنرمند خوشش می‌آید و به این وسیله درویش‌خان نجات پیدا می‌کند. نمی‌توانید به یک هنرمند نقاش بگویید که

موسیقی



کیوان ساکت(سمت راست) و پدرام امینی ایبانه(سمک چپ) شرق

چرا اینجوری نقاشی می‌کشید. او کار خودش را می‌کند و شما هم اگر دوست ندارید آن نقاشی را نگاه نمی‌کنید. نمی‌توانید به یک هنرمند بگویید: «ای هنرمند شما باید آنگونه که من دوست دارم نقاشی کنید یا موسیقی بسازید و ساز بزنید!» این تفکر بسیار مستبدانه و جاهلانه است که حتی قرون وسطایی هم نیست چون در قرون وسطا هم هر کدام از آهنگسازان، تفکر خودشان را داشتند. به نظر من بحث‌کردن با چنین کسانی اصلاً جایز نیست.

امینی ایبانه: در کتاب زندگی بنه‌وون، رومن رولان می‌گوید: «در هنر هم مثل زندگی هدف آزادی است، پس هنرمند هم باید آزاد باشد» و به نقل از بنه‌وون می‌گوید: «هیچ قانونی نیست که به‌خطر زیبایی نتوان آن را زیر پا گذاشت».

۲ آقای امینی شما با خیلی از استادان بزرگ موسیقی فلامنکو مثل پاکوپنیا کار کرده‌اید و با آنها ارتباط دارید. نگاه آنها به موسیقی شرق و موسیقی ایران چیست؟ آیا آنها به این فصول مشترک قابل هستند؟

امینی ایبانه: بله نه‌تنها دوست دارند بلکه آزاداندیش هستند. گیتار، ساز ملی آن‌هاست و برای ما خیلی سخت‌الست که بتوانیم در گیتار نواوری کنیم اما من از پاکوپنیا می‌پرسیدم: «آیا من می‌توانم یک تکنیک جدید ابداع کنم یا روی گیتار تغییراتی به وجود بیاورم» و او می‌گفت: «البته و اگر آیدهای داری چرا این را عملی نمی‌کنی؟» من از همه اینها فیلم دارم. پاکوپنیا در میان سازهای ایرانی نی را بیش از بقیی دوست داشتم و اتفاقاً خیلی به من می‌گفت چرا کار تلفیقی نمی‌کنی و با ساز ایرانی فلامنکو نمی‌نوازی. از همه اینها فیلم و ویدیو دارم. همچنین در ادامه صحبت‌های آقای ساکت بگویم کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند دیکتاتورهای کوچک هستند.

۲ اجازه بدهید از کنسرت‌تان هم صحبت کنیم. در این کنسرت قرار است چه آهنگ‌هایی را بنوازید و شکل آن چگونه است؟

امینی ایبانه: دستگاه‌های موسیقی فلامنکو رومبا، مالاکنیا، رومنس و تانگو. با استاد ساکت در این دستگاه‌ها کارهای مشترکی داریم که اجرا می‌کنیم. یک جاهایی هم هست که من با گروهم کارهای معروف فلامنکو مثل دسپرانو و استوریاس را اجرا می‌کنم، سعی می‌کنیم مخاطبان ما از این کنسرت لذت ببرند.

ساکت: یک قسمت من تنها اجرا می‌کنم، یک قسمت پدرام و یک قسمت را با یکدیگر.

۲ علاوه بر تار و گیتار، چه سازهایی دیگری هم در ارکستر‌تان هست؟

امینی ایبانه: پرکاشن، کاخون، درام و کیبورد. درام ما یک نوازنده خاص هست که با چوب و هم بدون چوب و با دست درام می‌زند. کاری خیلی سخت اما قوی است. البته شکل نهایی ارکستر را با همراهی آقای ساکت و بعد از تمرینات نهایی طراحی می‌کنیم. **۲** آقای ساکت اجازه بدهید این گفت‌وگو را با آخرین اجرایی که در جشنواره موسیقی فجر و با همراهی رامین قلی‌اف داشتید، تمام کنیم. جالب است که در این فاصله زمانی کوتاه، یک کنسرت با استاد رامین قلی‌اف برگزار کردید. استاد تار ترکی است و یک کنسرت هم با پدرام امینی ایبانه که استاد گیتار فلامنکو است. خیلی نتوانایی ویژه‌ای است که یک نوازنده در این فاصله این دو کار را در سطح بالا انجام بدهد...

ساکت: این نتوانایی در مدت کوتاه حاصل نشده است. من سال‌ها موسیقی غربی، آذری و فلامنکو اجرا کرده‌ام که حالا می‌توانم این کارها را انجام دهم. پسرم کیارش ساکت اینجاست و شاهد است موقعی که می‌خواستم «شرق آندوه» شوین را اجرا کنم، بعد از اجرای آهنگ، چندین ماه هیچ چیز شوین گوش نمی‌کردم و در این زمینه مطالعه زیادی کردم. وقتی می‌خواستم باخ بزنم، همین داستان را داشتم. برای هر آهنگ شاید چندین ماه مطالعه می‌کردم و ساز می‌زدم با وقتی می‌خواستم زنبور عسل یا «ایمل بی» را بزنم چندین ماه چندین اجرای ارکسترهای مختلف را گوش و با آنها تمرین می‌کردم. استوریاس هم به‌منظور اینجور نیست که همه اینها یک‌شبه حاصل شود.

امینی ایبانه: جالب است که یک نت از استوریاس هم نیفتاده بود و آنچه تا تر اجرا کرد، دقیقاً همان استوریاس بود که فقط لپچه تار داشت. کاملاً حق مطلب ادا شده بود.

۲ فکر می‌کنم حالا با این تجربه و نتوانایی در نوازندگی فقط از یک سبک روی سبک دیگری سوییچ می‌کنید...

ساکت:بله البته همینطور است.

۲ می‌خواستم رابع به اجرای‌تان با رامین قلی‌اف صحبت کنیم که بحث‌مان منحرف شد. این اجرای هم‌زمان چگونه اتفاق افتاد؟

استاد رامین قلی‌اف از دوستان قدیم من است. من ۲۰ سال است که با هم آشنایی داریم، ۱۰ سال پیش در تهران، گرمشاه و تبریز کنسرت برگزار کردیم که کنسرت‌های موفقی بودند حتی با هم رفقا و تأمد خانوادگی داریم و ایشان یک مدت در خانه من در ایران زندگی می‌کرد. من شنیدم رامین آمده است و خیلی دلش می‌خواهد من را ببیند، رفتم هتل و تا من را دید، گفت: «حتماً باید با هم یک برنامه در ایران بگذاریم.» او از یکی از دست‌اندرکاران خواست که چنین اتفاقی بیفتد. باوجود آنکه رامین خیلی مایل بود با هم اجرا کنیم خیلی‌ها (خودهای‌های وابسته) تلاش کردند که ما برنامه اجرا نکنیم اما به لطف رییس انجمن موسیقی، جناب آقای ترابی و سمسدر و یبشتی که ایشان از هنر و هنرمند دارند، یک بخش کوچکی را با ایشان اجرا کردیم که بد هم نبود و خیلی‌ها دوست داشتند.

۲ شما تار ترکی هم می‌زنید؟

ساکت:بله البته همیشه تار است.

۲ نمی‌خواهید این کار مشترک را به‌صورت آلبوم منتشر کنید؟

صحبتهای با رامین شده است که یک کنسرت در باکو با ارکستر سمفونیک آنجا و یک کنسرت در اینچیا با ارکستر سمفونیک تهران داشته باشیم و آثار آذری و ایرانی اجرا کنیم که حتماً اینها را منتشر خواهیم کرد.

۲ قصد ندارید کارهای مشترک‌تان را با آقای امینی منتشر کنید؟

ساکت:قبلاً صحبت‌هایی با آقای امینی کرده‌ایم و قرار است یکسری کارها را با تنظیم

مقاوت‌تری در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.

۲ آیا ممکن است کلام را هم وارد کار‌تان کنید؟

نمی‌دانم. پاسخ‌تان را با یک بیت شعر می‌دهم: تو بای به راه پنه و هیچ مبر/س/ خود

راه بگویدت که چون باید رفت.

نوا

به بهانه برگزاری کنسرت مرضی گودرزی

بیم از پژمردن یک برگ نیست



سیدعلی میرزاحمدی

این‌روزها موسیقی مقامی ایران برای نفس کشیدن به روزنه‌ای هرچند کوچک دلخوش است. در این‌روزهایی که دغدغه اصلی اهالی موسیقی و دست‌اندرکاران دولتی‌اش به راه‌اندازی مجدد ارکستر ملی و سمفونیک معطوف شده‌است، موسیقی مقامی با بزرگانش به خانه‌نشینی ادامه می‌دهد. گویا هنوز باور نکرده‌ایم دنیا از ما، موسیقی اصیل خودمان را می‌خواهد و افسوس که دانشگاه‌های در کشورمان هستند که سازهای اصیل‌مان را ساز نمی‌دانند. موسیقی مقامی برای برخی گروه‌های سرشناس موسیقی نیز هیچ جایگاهی ندارد و برای برخی دیگر، بیشتر به یک خاطره شبیه است که لطف می‌کنند و در رپر‌توار برنامه خود، دقایقی را به نوازندگان میهمان این موسیقی اختصاص می‌دهند و مردم را از سر ترجم به تشویق آنها وامی‌دارند. آنقدر خوراک بد به خورد جوانان‌مان داده‌ایم که حتی با واژه «موسیقی مقامی» غریب باشند. باید پذیرفت که همه ما مقصریم. نه‌تنها جامعه موسیقی که ارگان‌های رسمی و مطایده‌داران فرهنگ و هنر که جایگاه واقعی موسیقی مقامی را از یاد بردانده.

چگونه توجه به موسیقی مقامی را باید پذیرفت وقتی حضورش در مهم‌ترین رویداد موسیقایی کشور (جشنواره موسیقی فجر امسال) کمتر از پنج‌درصد است؟ کاش حالا که قرار است این کم‌توجهی، با برگزاری جشنواره موسیقی مقامی جبران شود، عدم حضور موسیقی مقامی را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.



را به حضور بسیار کم‌رنگش ترجیح می‌دادیم تا لاقال عیسار پایین توجه به این موسیقی اشکال نشود و توجه ویتربنی به این موسیقی، باورپذیرتر جلوه کند. کاش می‌دانستیم در گوشه و نقاط خاک هنرپرور ایران، پیشکسوتان موسیقی مقامی چگونه امروز معاش می‌کنند؟ چرا در بستر بیماری آر می‌دهاند؟ چرا عزت‌نشنینی را ترجیح می‌دهند و...

بهراستی که این‌روزها موسیقی مقامی ایران به جای همدردی، نیاز به حمایت و برنامه‌ریزی دارد؛ نه‌تنها حمایت دست‌اندرکاران دولتی بلکه اهالی موسیقی، رسانه‌ها، شرکتها و... در این میانه، برگزاری کنسرت‌ها و جشنواره‌های مستقل از سوی شرکت‌های خصوصی و موسسات فرهنگی – هنری در معرفی موسیقی مقامی کشورمان، شاید سهم کوچکی داشته باشند، اما بی‌شک گام بزرگی است برای شناساندن دوباره آنچه موسیقی اصیل ایران نام گرفته و تلنگر کوچکی است به آنها که وظیفه دارند حافظ فرهنگ و هنر این سرزمین کهن باشند. می‌توجهی، به مالطفی رییس انجمن موسیقی در کشورمان و توجه‌کردن و میدان‌دادن به موسیقی بومی مان در کشورهای دیگر، اتفاق خوشایندی نیست؛ا بیم آن دارم روزی باید که نه‌تنها جشنواره‌های موسیقی مقامی ایران به همت دیگر کشورها برگزار شوند بلکه موسیقی اصیل کشورمان با تاریخ بی‌بدلش نیز همچون بوعلی‌سیناها، مولوی‌ها و... به نام آنها ثبت شود. چه خوش گفت فریدون مشیری عزیز: «بیم‌از پژمردن یک برگ نیست / اوای جنگل را بیابان می‌کنند»

را به‌یادماند، پاسخ‌تان را با یک بیت شعر می‌دهم: تو بای به راه پنه و هیچ مبر/س/ خود راه بگویدت که چون باید رفت.

سروود افتتاحیه مشارکت موسیقی و فوتبال در جام جهانی ۲۰۱۴

ما یکی هستیم

نیما توسلی

«جنیفر لویز» و «پیت‌بال» به «کلودیا لیته» خواننده برزیلی پیوستند تا سرود امسال جام‌جهانی را با عنوان «ما یکی هستیم»، اجرا کنند. این خبری بود که پنجشنبه، فیفا در بودوزائیرو برزیل اعلام کرد. «ژرومه والکه»، دبیرکل فیفا، در حالی که در «استادیوم ماراکانا» در برزیل حضور داشت، در اظهارنظری جالب گفت: «فقط موسیقی و فوتبال می‌توانند ۸۰هزارنفر را به یک استادیوم یکشاندند، این در حالی است که یک کنسرت تنها توسط یک هنرمند برگزار می‌شود ولی در فوتبال ۲۲نفر حضور دارند.»

«آرماندو کریستین پرز» ملقب به «پیت‌بال»، خواننده ۳۱ساله کوبایی – آمریکایی، معتقد است که قصد این کار رفع موانع است تا از طریق ورزش و موسیقی نشان دهیم که «همه یکی هستیم». «کلودیا لیته» نیز معتقد است که این آهنگ، میزان عشق کشور او به موضوعات موسیقایی و ورزشی را نشان خواهد داد و گفت «موسیقی ابزار بیان احساس من است، اما فوتبال ابزار بیان احساس مردم کشورم است. قصد ما نمایش احساس و فرهنگ است و آن را در این آهنگ نشان خواهیم داد. درحال حاضر در مراحل نهایی کار هستیم. موسیقی برای ما یک هدف اصلی است.»

علاوه بر «کلودیا لیته» و «پیت‌بال»، «کافو» بازیکن سابق برزیل که برنده جام‌جهانی نیز شده در مراسم پنجشنبه‌شب حضور داشت. او این آهنگ را برارنده برزیل و مردم آن دانست. «جنیفر لویز» در این مراسم غایب بود. اجرای معروف او در مسابقات «جام‌جهانی فوتبال ویژه زنان» با عنوان «بیابید با صدای بلند بخوانیم»، از معروف‌ترین آهنگ‌های جام‌جهانی فوتبال زنان است.

برگزارکنندگان امیدوارند که آهنگ امسال بتواند به موفقتی که «شکیرا» خواننده کلمبیایی با عنوان «واکا‌واکا» در جام‌جهانی گذشته در سال ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی به آن نایل شد، دست یابد. مدتی پیش اعلام شده بود که «شکیرا» بعد از آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ و حضور کوتاهی که در مراسم افتتاحیه جام‌جهانی فوتبال آلمان در ۲۰۰۶ داشته، برای سومین‌بار در جام‌جهانی خواهد خواند. همچنین خبرها حاکی از آن بود که تم رسمی این دوره از مسابقات فوتبال در برزیل، توسط «ریکی مارتین» اجرا خواهد شد که بعد از اجرا در جام‌جهانی فوتبال ۱۹۹۸، فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (۲۰۱۰)، «آناستازیا» در سال ۲۰۰۲ در کره‌جنوبی و ژاپن و «تونی برکستون» در سال ۲۰۰۶ در آلمان، در آهنگ‌های افتتاحیه جام‌جهانی ۲۰۱۴ فرانسه مدتها از این مسابقات دور بودند.

پیش‌بینی می‌شود آهنگ جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رکوردها را بشکنند و بیش از نیم‌میلیون بازدیدکننده در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. پیش از این «ریکی مارتین» (۱۹۹۸)، «شکیرا» (